

مروری بر مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی از نظر غزالی و فیض

و نفس ما سویها فالهمها فجورها و تقویها قد افلح من
زکیها و قد خاب من دسیها...^۱

سپاس بی حد حق تعالی را سزاست که در جهت تبیین
چگونگی تزکیه نفس مستفاد از آیات کریمه فوق، توفیق
برداشتن گامی کوچک رابه نگارنده با انجام پژوهشی به نام
«مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی از نظر غزالی و
فیض»^۲ عنایت فرمود. مقاله حاضر در بخش اول به معرفی
نسبتاً کوتاه «پژوهش» و در بخش دوم به ذکر اهم یافته‌ها و
تبیین نتایج اساسی آن و در پایان به ارائه برخی پیشنهادها
خواهد پرداخت.

بخش اول: معرفی «پژوهش» ۱-۱- طرح موضوع

در نگاهی گذرا به تاریخ پر فراز و نشیب زندگی آدمی، هر
ناظر واقع بین علاوه بر مشاهده صحنه‌های زیبایی از فداکاری،
گذشت، جوانمردی، سخاوت و خویشنداری - که هر یک
جلوه‌ای از جنبه متعالی و ارزشی انسان هستند - با صحنه‌های
تکان دهنده و ناپسندی از ظلم و تجاوز، خونریزی و ددمنشی،
فساد و هوسرانی روبرو می‌شود. هر یک از این صحنه‌ها
مصدافی است از جنبه ضد اخلاقی و نا مطلوب ولی غیر قابل
انکار از حیات بشر که در اشکال و مراتب متنوع، با آثار سوء
بسیار بر سعادت فردی و اجتماعی آدمیان، همواره از سوی اکثر
اندیشمندان، معضلی جهانی - انسانی تلقی شده که برای چاره
اندیشی و مبارزه با آن، تلاش فکری و عملی گسترده‌ای در
عرصه اندیشه و تجربه بشری صورت گرفته است.

حاصل این تلاش سترگ، گنجینه‌ای گرانبها از معارف
فلسفی، عرفانی، ادبی، علمی، دینی و تدابیر و تجاربی است که
برای پیدایش وجود ارزشمند انسان از آلودگیهای اخلاقی و
تعالی ارزشی آدمی، از سوی متفکران و مصلحان دلسوز

و

صادقزاده

G

اشاره: پژوهشی نظری با عنوان فوق به توصیف، تنظیم و
مقایسه اهم اندیشه‌های دو متفکر بزرگ جهان اسلام درباره
پیرایش آدمی از آلودگیهای اخلاقی در عرصه تربیت اخلاقی
مبتنی بر دین پرداخته است. پژوهشگر در این مقاله سعی دارد
با معرفی پژوهش مذکور و ارائه برخی یافته‌های مهم آن، نظام
تربیت اخلاقی بر اساس منابع تفکر دینی را بعنوان بستری
مناسب و کارآمد جهت حل مسائل اخلاقی انسان معاصر طرح
نموده و پژوهشگران حوزه و دانشگاه را به جستجوی عمیق در
گنجینه گرانبهای فرهنگ اسلامی بویژه آثار متفکران مسلمان و
ارائه نتایج ارزشمند این تلاش در قالبی نوین فراخواند.

۱. پژوهش مذکور در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه
آموزش و پرورش در دانشگاه تربیت مدرس صورت پذیرفته و در سال ۷۵
بعنوان دومین پایان‌نامه برتر دانشجویی گروه علوم انسانی کشور برگزیده شده
است.

۱. سوره مبارکه الشمس، آیات ۷-۱۰.

۲. به منظور پرهیز از تطویل کلام و اجتناب از ملامت خاطر خواننده محترم
در سراسر این مقاله از پژوهش مذکور با عنوان مطلق «پژوهش» (به اتکاء
عهد ذکری) یاد خواهد شد.

فراهم آمده است.

«پژوهش» چنین تلاشی را درباره بخشی از تربیت اخلاقی یعنی «تهذیب اخلاقی»^۲ - به مفهوم پیرایش ظاهر و باطن خود و دیگران از آلودگیهای اخلاقی - از دیدگاه دو متفکر بزرگ جهان اسلام یعنی ابو حامد غزالی و ملامحسن فیض کاشانی مد نظر قرار داده است، که بنابر نظر برخی محققان این دو اندیشمند، به اخلاق با رویکردی عمدتاً دینی - هر چند از دو منظر نسبتاً متفاوت - نگریسته‌اند.

البته در میان مفاهیم مربوط به فرآیند تهذیب اخلاقی، ما فقط به سه عنصر اصلی «مبانی»^۳، «اصول»^۴ و «شیوه‌ها»^۵ پرداخته‌ایم.

۱ - ۲ - اهداف «پژوهش»

با توجه به مطالب فوق اهداف ذیل برای فعالیت تحقیقی در نظر گرفته شد:

- ۱ - استخراج و گردآوری آرای غزالی و فیض درباره مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی
- ۲ - تشخیص میزان توافق نظر غزالی و فیض در مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی
- ۳ - کشف نوع ارتباط میان عناصر مزبور از نظر غزالی و فیض
- ۴ - تدوین و تنظیم آرای غزالی و فیض درباره تهذیب اخلاقی مطلوب در قالبی جدید.

بدیهی است که علاوه بر اهداف مزبور در جهت تدوین نظام تربیت اخلاقی مورد نظر، ارزیابی اندیشه اخلاقی دو متفکر، امری مطلوب و ضروری می‌باشد، لیکن با ملاحظه پیچیدگی طبیعی این مهم و فراهم نبودن مقدمات نظری و عملی آن و توجه به سطح انتظار و توقع از پژوهشگر، مسأله ارزیابی و داوری نسبت به آرای غزالی و فیض به نوبتی دیگر

صرف نظر از میزان دستیابی مجموعه مذکور (اندیشه و تجربه) به حقیقت و موفقیت، قدردانی و سیاست‌گذاری از تلاش بی‌شائبه فوق، وظیفه‌ای انسانی محسوب می‌شود. اما نگاهی گذرا به اوضاع کنونی جامعه بشری - در شرق و غرب عالم - نشان می‌دهد که این کوشش فکری و عملی گسترده نه تنها ثمره مطلوب را در پی نداشته، بلکه با کمال تأسف مشکلات اخلاقی علی‌رغم پیشرفت نسبی آدمی در دیگر زمینه‌ها، روز به روز گسترش و عمق بیشتری یافته است. لذا اندکی تأمل در ابعاد و آثار آلودگیهای اخلاقی و بحران ارزشی حاکم بر جامعه انسانی ضرورت پاسخگویی مناسب و اساسی به این پرسش دیرین، ولی همچنان مهم را خاطر نشان می‌سازد که: «چگونه می‌توان وجود ارزشمند انسان را از آلودگیهای اخلاقی تا حد امکان پیراست و به ارزشهای اخلاقی با آن همه اهمیت جامه عمل پوشاند؟»

به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی و کارآیی کم نظیر فرآیند **تربیت** در تغییر و تحول انسان، بتوان از «تربیت اخلاقی»^۱ به عنوان زمینه‌ای مناسب برای پاسخگویی به سؤال مزبور سخن گفت؛ چراکه در این صورت «تربیت اخلاقی» بعنوان فرآیندی مداوم، پویا، همه جانبه (شامل ابعاد شناختی، عاطفی ارادی و عملی و متوجه اصلاح دیگران به موازات اصلاح خویش) و توانا برای استفاده از انواع معارف (عقلانی، عرفانی، و حیانی و علمی) در جهت تحقق سلامت و تعالی اخلاقی انسان از کارآیی بیشتری نسبت به مباحث متعارف فلسفه و علم اخلاق برخوردار می‌باشد. البته بدیهی است برای بهره‌وری مطلوب از این زمینه - تربیت اخلاقی - جستجوی عمیق، پیوسته و منظم گنجینه‌گرانه‌های معارف و تجارب آدمی بویژه عرصه نامتناهی معارف دینی امری ضروری محسوب شود و حوزه فلسفه تعلیم و تربیت باید نتایج چنین تلاش مبارکی را در قالب «نظام تربیت اخلاقی» - شامل مفاهیمی نظیر مبانی، اهداف، اصول، شیوه‌ها و مراحل - سامان دهد.

در این راستا گردآوری، بررسی تطبیقی و تنظیم آراء اندیشمندان اخلاقی گامی آغازین ولی اساسی می‌باشد و این

1. Moral Education.
2. Moral Refinement.
3. Foundations.
4. Principles.
5. Methods.

موکول گردید.

۱- توافق نظر غزالی و فیض در مبانی تهذیب اخلاقی
بیش از توافق آنها در اصول تهذیب اخلاقی است.

۲- توافق نظر غزالی و فیض در اصول تهذیب اخلاقی
بیش از توافق آنها در شیوه‌های تهذیب اخلاقی است.
همچنین در پاسخ به سؤال چهارم دو فرضیه ذیل مطرح
شده و مورد بررسی واقع شدند:

۳- از نظر غزالی و فیض اصول تهذیب اخلاقی ناظر به
مبانی تهذیب اخلاقی هستند.^۴

۴- از نظر غزالی و فیض شیوه‌های تهذیب اخلاقی از
اصول تهذیب اخلاقی استنباط می‌شوند.

۱-۵- روش تحقیق

با توجه به اینکه «پژوهش» در حیطه تحقیقات توصیفی و از
گونه «اسنادی» محسوب می‌شود برای جمع‌آوری اطلاعات از
روش «تحلیل محتوا»^۵ استفاده گردید. «... که در این گونه
تحقیقات از روشهای متداول به شمار می‌آید...» و عبارت است
از شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی یک متن
یا متون مکتوب با هدف فراهم آوردن تحلیلی توصیفی...^۶ و
برای بررسی فرضیات «پژوهش» از روش تحلیل کمی و کیفی
و تحلیل منطقی داده‌ها به تناسب مورد استفاده قرار گرفت،
البته روش تحلیل محتوا هم اکنون با استفاده از شیوه‌های کمی
و کیفی پیشرفته در علوم ارتباطات و مجموعه علوم اجتماعی
جایگاه ویژه‌ای یافته است، ولی با ملاحظه این نکته که استفاده
از این روش در تحقیقات نظری علوم انسانی - حداقل در
کشور ما - سابقه چندانی ندارد، از شکل ساده شده این روش
در «پژوهش» استفاده گردید که بایستی تلاشهای بیشتری در

1. Descriptive Statements.

2. Prescriptive Statements.

۳. توضیحات بیشتر در این رابطه در فصل اول «پژوهش» مطرح شده است.

۴. یعنی بین مبانی و اصول تهذیب اخلاقی نه استلزام منطقی (رابطه
تولیدی) وجود دارد و نه استقلال کامل، بلکه تجویز این اصول در عالم
اعتبار با ملاحظه و توجه به اموری واقعی صورت گرفته است.

5. Content Analysis.

۶. باقرساروخانی، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی؛ ج ۱، ص ۸۲.

۱-۳- تعریف واژگان

از مفاهیم اصلی «پژوهش» معانی ذیل مقصود و مراد می‌باشند:
تهذیب اخلاقی: «مجموعه تدابیری که با هدف محو و یا
تضعیف رذائل اخلاقی و برخورد با حالات و افعال ضد
اخلاقی انتخاب شده و نسبت به خود یا دیگری اجرا
می‌گردد.»

- مبانی تهذیب اخلاقی: «گزاره‌های توصیفی^۱ و مقبول هر
اندیشمند در ارتباط با مباحث تهذیب اخلاقی درباره اموری
نظیر هستی، انسان، ارزش و معرفت»

- اصول تهذیب اخلاقی: «گزاره‌های تجویزی^۲ معتبری که
از نظر متفکر به عنوان قواعد کلی قابل اجرا در همه بخشهای
تهذیب اخلاقی باشند.»

- شیوه‌های تهذیب اخلاقی: «گزاره‌های تجویزی معتبری
که از نظر متفکر به عنوان دستورالعمل، تنها در یک یا چند
بخش تهذیب اخلاقی قابل تحقق باشند.»^۳

۱-۴- سؤالات و فرضیات

برای تحقق اهداف «پژوهش» چهار سؤال اساسی ذیل
مطرح اند:

۱- نظر غزالی درباره مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب
اخلاقی چیست؟

۲- نظر فیض درباره مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب
اخلاقی چیست؟

۳- توافق نظر غزالی و فیض در مبانی، اصول و شیوه‌های
تهذیب اخلاقی چقدر است؟

۴- ارتباط میان مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی
از نظر غزالی و نیز از نظر فیض چگونه است؟

برای راهنمایی فعالیت پژوهشی در پاسخ به سؤال یک و
دو با توجه به ویژگی اکتشافی آنها پردازش فرضیه‌ای لازم
نبود، ولی در پاسخ به سؤال سه بنابر مطالعات پیشین و شواهد
و قرائن دو فرضیه ذیل طرح شده و مورد آزمون قرار گرفتند:

راستای تطبیق و کاربرد این روش در تحقیقات نظری انجام شود.^۱

۱- ۶- منابع عمده تحقیق

با توجه به گستردگی منابع اندیشه اخلاقی غزالی و فیض بایستی با ملاحظه نظر متخصصان و پژوهشگران اندیشه و آثار غزالی و فیض، گزینشی دشوار صورت می‌گرفت که در نتیجه مهمترین منابع افکار اخلاقی این دو اندیشور چنین برگزیده شدند: **احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، میزان العمل، منهاج العابدین والاربعین** از غزالی و **المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، الحقائق فی اسرار الدین، زاد السالک، منهاج النجاة و ضیاء القلب** از فیض که البته در این میان دو کتاب معظم احیاء علوم الدین و المحجة البيضاء به تصریح برخی محققان منبع عمده و جمع اکثر اندیشه‌های دو متفکر هستند. و در جریان فعالیت پژوهشی نیز با توجه به ملاحظات اجرایی و محدودیتها، گردآوری اطلاعات عمدتاً منحصر به همین دو مجموعه گران سنگ گردید.

معرفی این دو کتاب - بیان غرض از تألیف، چگونگی تدوین و تبویب و بیان رئوس مطالب آنها - و لو بصورت مجالی مقصود و میسر این مقاله نبود. همچنانکه مقایسه و ارزیابی تطبیقی این دو و بیان چگونگی تهذیب و تنقیح فیض در شرح احیاء علوم الدین مجالی دیگر می‌طلبد.^۲

با آنکه در معرفی «پژوهش» مباحث مهم دیگری نظیر پیشینه پژوهش و بررسی و نقد آن، و وجوه ضرورت و اهمیت «پژوهش» قابل طرح هستند به دلیل ضیق مجال از آنها در می‌گذریم تنها توجه علاقمندان به اشاعه فرهنگ اسلامی را به این مهم جلب می‌نمائیم که علی‌رغم جامعیت کم نظیر فیض کاشانی - به اعتقاد بزرگانی چون علامه طباطبایی - بنا بر جستجوی پژوهشی انجام شده تنها یک مورد پژوهش علمی در قالب پایان نامه در مورد شخصیت و اندیشه فیض (آنهم در ذیل توجه به تفسیر صافی) و چندین مقاله و مکتوب محدود درباره وی یافت شد، در حالی که بنابر نقل یکی از محققین

درباره غزالی حدود ۴۸۰ فعالیت پژوهشی (به زبانهای غیر فارسی) صورت پذیرفته و در داخل کشور نیز تعدادی فعالیت پژوهشی قابل توجه درباره آراء تربیتی غزالی انجام شده است، در حالی که یکی از محققین گرانقدر پس از مقایسه آراء غزالی و فیض درباره اخلاق و تربیت اخلاقی چنین می‌نگارد:

«اگر پرچم‌های افراشته حول محور غزالی در عالم، در اطراف وجود فیض افراشته می‌شد قطعاً تفوق علمی او آشکار می‌شد و محققان از مشاهیر غرب نهایت عظمت علمی او را در می‌یافتند و به سوی آراء ارزشمند وی از جهت اخلاق و شناخت نفس و تربیت آن روی می‌آوردند.»^۳

به هر حال، امید است پژوهشگران علاقمند به این خلاء پژوهشی در زمینه ارائه افکار متفکران اسلام ناب به جهان امروز توجه جدی نموده و با تلاش مضاعف سعی در جبران آن نمایند.

بخش دوم:

اهم یافته‌ها و نتایج اساسی

در این بخش با توجه به نقش هدایتگر اهداف در هر فعالیت پژوهشی و ملاحظه اینکه اهداف «پژوهش» در مرحله استخراج و گردآوری اطلاعات راهنمای عمل پژوهشی بوده‌اند، شایسته است اهم یافته‌ها و نتایج اصلی «پژوهش» حول محور اهداف اولیه تبیین شود. مطالب این بخش را در چهار قسمت پی می‌گیریم.

۲- ۱- نتایج مربوط به هدف اول «پژوهش»

در راستای تحقق هدف استخراج و گردآوری آرای دو

^۱ملاقمند این‌شناسایی‌بیشتر و شرح تحلیل محتوا و گفتار و روشها و تحقیق و علوم اجتماعی (باقر ساروخانی)، فصل تحلیل محتوا، مراجعه نمایند.

^۲ - خواننده علاقمند را به اصل پژوهش و منابع اصلی آن در این زمینه - مقدمه مرحوم علامه امینی بر المحجة البيضاء و مقاله مفصل «جامه تهذیب بر تن احیاء» ارجاع می‌دهیم.

^۳استاد رضی‌مدرس چهاردهی طبقات المفسرین بفعال و قد مله المحجة البيضاء ج ۲۵.

اندیشمند درباره مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی و پاسخ به دو سؤال ۱ و ۲ «پژوهش» مجموعه گزیده نظرات مرتبط با مفاهیم مذکور به صورت تطبیقی در چهار بخش «مبانی» (کلی)، «اصول»، «شیوه‌های عام» و «مبانی و شیوه‌های خاص» در فصل چهارم پژوهش گزارش شده است.^۱

مطالب بخش «مبانی» تحت چهار عنوان مبانی «هستی‌شناسی»، «انسان‌شناسی»، «ارزش‌شناسی» و «معرفت‌شناسی» و مطالب بخش اصول تحت دو عنوان «اصول تصریح شده» و «اصول استنباط شده» تنظیم شده‌اند. در بحث شیوه‌های عام تهذیب اخلاقی ۷ شیوه کلی^۲ مطرح و در بخش «مبانی و شیوه‌های خاص» ۲۰ آلودگی اخلاقی مورد بحث واقع شده‌اند^۳ (در این بین برخی رذیله اخلاقی، بعضی حال ضد اخلاقی و تعدادی فعل ضد اخلاقی هستند). با اذعان به این نکته که همه یافته‌های مربوط به هدف اول «پژوهش» فی نفسه مهم هستند، در این مقام به برخی از اهم یافته‌ها و نتایج طی چند بند اشاره خواهیم داشت.

* در بحث مبانی (کلی) تهذیب اخلاقی نکات ذیل قابل طرح هستند:

۱- در مبانی هستی‌شناسی، غزالی و فیض به خدا محوری هستی و غایت‌مندی آن که در باور به وجود خداوند واحد، حکیم و مستجمع جمیع صفات کمال، توصیف او در ذات و صفات، نبوت عامه و خاصه، باور به زندگی اخروی و حالات پس از مرگ و رابطه عمیق بین دنیا و آخرت جلوه گر می‌باشد، مشترکند. اختلاف نظر این دو در توصیف افعال الهی (عدل، وجوب رعایت اصلح، افعال اختیاری بندگان) و نیز بحث مهم امامت و وصایت پیامبر می‌باشد که مورد اخیر به اختلاف نظر در مبانی معرفت‌شناسی دو متفکر منجر می‌گردد.

۲- درباره شناخت انسان و ویژگیهای او و طریق کمال آدمی باور مشترک دو اندیشمند به وجود نفس و اصالت آن، اهم قوای باطنی نفس (شهوت، غضب و عقل)، دو ویژگی مختص انسان (علم و اراده)، رابطه متقابل بین نفس و بدن و افعال جوارح و آثار درونی، تأثیر اعمال و نیات آدمی در تحصیل سعادت وی و حصول سعادت حقیقی انسان در

آخرت از اهم مبانی مشترک انسان‌شناسی غزالی و فیض هستند در حالی که، اختلاف نظر معتناهی در این مبحث بین دو متفکر مشاهده نشد.

۳- در مبحث مهم ارزش‌شناسی، نظر غزالی و فیض در تعریف خیر و شر بر اساس ملاک تأثیر در زندگی اخروی، احتیاج به شریعت برای تشخیص مصادیق خیر و شر، منشاء ایجاد رذایل و فضایل (افراط و تفریط در استعمال قوا)، معیار اعتدال در تشخیص فضیلت و رذیلت، تعریف فضایل و رذایل و انواع اصلی آنها، تأثیر نیت و قصد در ارزشگذاری به اعمال، کاملاً هماهنگ است ولی بوده در بحث مهم حسن و قبح اعمال، ارزشگذاری به اعمال صوفیه و صحابه (بطور کلی) اختلاف نظر قابل توجه مشاهده گردید.

۴- در مبانی معرفت‌شناسی غزالی و فیض در جایگاه مهم علم اخلاق و ضرورت تحصیل آن برای همه کس، احتیاج به عقل و شرع برای مبارزه با بیماری‌های اخلاقی با اذعان به محدودیت عقل در رسیدن به کنه حقایق و لزوم استمداد از شرع، تأویل ظواهر قرآن و سنت با استمداد از نور عقل (عدم جمود بر ظواهر آیات و نصوص) اتفاق نظر دارند در حالی که، فیض با اعتقاد جزم به حجیت قول، فعل و تقریر معصومین (ع) علاوه بر سنت پیامبر (ص) - و در نتیجه گسترش منبع تفکر دینی به این حیطه وسیع (حدود ۳۳۰ سال) و انکار حجیت اقوال و افعال صحابه و بلکه طعن بسیار بر آنان - و نیز انکار جدی اقتباس و اخذ بسیاری از آرای صوفیه و نقل حکایات ایشان در مباحث تهذیب اخلاقی، اختلاف نظر بسیار

۱- در این فصل که به لحاظ ماهیت توصیفی «پژوهش» حجیم‌ترین بخش گزارش تحقیق می‌باشد مجموعه نظرات به صورت منظم و مستند نقل گردیده است (صص ۱۸۸ الی ۲۹۴)

۲- به ترتیب عبارتند از: ۱- رعایت آداب اهل علم ۲- رعایت آداب عبادات ۳- ازدواج و آداب آن ۴- آداب مصاحبت و معاشرت ۵- امر به معروف و نهی از منکر ۶- تهذیب اخلاقی کودکان ۷- توبه

۳- این آلودگیهای اخلاقی عبارتند از: شکمبارگی - شهوترانی - خشم و عصبانیت - بی‌حمیتگی - کینه - حسادت - محبت دنیا - مال دوستی - حرص و طمع - بخل و خست - جاه‌طلبی - محبت مدح و ستایش - کبر از سرزنش - ریا - کبر - عجب - غیبت - نمانی - مدح و ستایش - خوض در باطل

مهمی را با غزالی پایه نهاده و بر اساس همین اختلاف، مبنای بسیاری از اصول و شیوه‌های مقبول غزالی از دیدگاه فیض هیچگونه اعتباری ندارد.

* اما در بخش اصول نیز برخی نکات مهم از این قرار هستند:

۵- در فرآیند تهذیب اخلاقی (در همه ابواب و نسبت به انواع آلودگیها) قواعد عام ذیل، معتبر و مورد قبول غزالی و فیض می‌باشد^۱:

- لزوم بکارگیری ترکیبی از علم و عمل

- لزوم استفاده از عادت (تکرار منظم عمل و لو به دشواری)
- لزوم توجه به اسباب و علل و اجتناب از برخورد صرف با معلول

- لزوم پرهیز از افراط و تفریط و مراعات حد وسط

- لزوم تناسب درمان با شرایط فرد

- لزوم پیروی کامل از دستورات شرع (در ظاهر و باطن)

- وجوب تقدم اصلاح ظاهر بر اصلاح باطن

در مقابل غزالی و فیض، در اعتبار برخی اصول کلی تهذیب اخلاقی، مانند لزوم استناد به آثار صحابه (علاوه بر قرآن و سنت و اجماع)، پیروی کامل از مرشد و شیخ طریقت، ترک ابتدایی جاه و مال و تقلید، اختلاف نظر شدید دارند و فیض موارد مذکور را به شدت رد می‌کند و لازم می‌داند در همه مراحل تهذیب اخلاقی تنها به افراد معصوم از خطا و لغزش (یعنی ائمه هدی(ع)) و یا شیعیان آنها، با اذن و اجازه معصومین، در اعتقاد و عمل اتکا کرد.

* در بحث مهم و کاربردی شیوه‌های تهذیب اخلاقی برخی از مهمترین یافته‌ها عبارتند از:

۶- علاوه بر دستور العمل‌هایی که به طور خاص برخورد با رذیله، حال و یا فعل ضد اخلاقی ویژه‌ای را موضوع قرار داده و با تمرکز بر روی آن، نحوه تضعیف یا ریشه‌کنی را تبیین نموده‌اند^۲ (شیوه‌های خاص).

دستاورد مهم تأمل و جستجو در مباحث اخلاقی **احیاء و محجه**، کشف دستورات عمل‌هایی بود که به طور خاص بر آلودگی معینی متمرکز نشده بلکه بتوان از آنها در برخورد با

موارد زیادی بهره گرفت. اینگونه گزاره‌های تجویزی که در «پژوهش» با نام شیوه‌های عام از آنها یاد شده فرآیند تهذیب اخلاقی را از صورت انتزاعی بیرون آورده و ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی آدمی را در بر می‌گیرد. هنر و ابتکار غزالی و فیض در کشف چنین شیوه‌هایی از دستورات و آداب شرعی دینی که سراسر زندگی مسلمان معتقد و متدین را فرا می‌گیرد^۳ بسیار مهمتر از ارائه و تأیید شیوه‌هایی است که کما بیش در متون اخلاقی، فلسفی و عرفانی ارائه شده است. علاوه بر شیوه‌های عام مطرح شده در «پژوهش» می‌توان با این نگرش شیوه‌های جالب توجه و کارآمد دیگری را نیز در خلال مباحث احیاء العلوم و المحجة البیضاء شناسایی نموده موارد ذیل از این جمله هستند: رعایت حقوق، مراعات آداب کسب و معیشت، تأسی و الگوگیری از اولیاء، مراقبه و محاسبه، موعظه، توکل، زهد، تقوی و یاد مرگ^۴.

۷- با تأمل در شیوه‌های خاص تهذیب اخلاقی متوجه می‌شویم که از نظر غزالی و فیض تربیت اخلاقی را نمی‌توان به صورت مشخص به مرحله مبارزه با آلودگی (تخلیه)، اکتساب ارزش (تحلیه) و تعالی آن ارزشها (تجلیه) تقسیم نمود؛ چراکه مبارزه با بسیاری از آلودگیها تنها با اکتساب ضد آنها ممکن است. همچنان که بهترین راه پیشگیری از ابتلا به آلودگی، مبادرت به اکتساب فضایل می‌باشد. لذا تقدم زمانی برای مرحله تهذیب اخلاقی (پیرایش اخلاقی) نسبت به سایر مراحل تربیت اخلاقی نمی‌توان قائل شد.

۸- از نکات مهم دیگری که مورد توجه غزالی و فیض در فرآیند تهذیب اخلاقی بوده است برخورد مستقیم با افعال و حالات ضد اخلاقی به موازات مبارزه با رذائل می‌باشد که چنین برخوردی با افعال و حالات ضد اخلاقی چه بسا منجر به پیشگیری از استقرار رذائل در وجود انسان گردد همچنان که

۱- برای رعایت اختصار، مفاد اصول به صورت مصدري بیان شده‌اند.

۲- که نوعاً این شیوه‌ها در ربع مهلكات از احیاء و محجة ارائه شده‌اند.

۳- از ارتباط عبادی فرد با خداوند و آداب فردی تا انواع روابط اجتماعی اقتصادی در عرصه خانواده و اجتماع را شامل می‌شود.

۴- علامتند انرا اطلاع عشتوکتبهریو طه احیاء اوله‌الدین المحجالبیضاء مراجع کنند.

این برخورد موجب می‌شود تهذیب اخلاقی نسبت به کودکان - که به دلیل شرایط ویژه هنوز ملکات اخلاقی در آنها مستقر نشده است - معنا پیدا کند.

۹- اختصاص یافتن بسیاری از مباحث و شیوه‌های تهذیب اخلاقی^۱ به اصلاح دیگران به علاوه، توجه به مباحث خودسازی از نکات مهمی است که در اندیشه دیگر متفکران اخلاقی کمتر مشاهده می‌گردد و لذا می‌توان از اندیشه‌های غزالی و فیض در مباحث تربیت اجتماعی نیز به خوبی بهره‌مند گردید.

۱۰- در ارائه شیوه‌های تهذیب اخلاقی علاوه بر توجه بسیار به بعد شناختی (ایجاد بینش و معرفت اخلاقی) تأکید قابل توجهی نیز به بعد عاطفی و ارادی و عملی تهذیب اخلاقی شده است که استفاده از ذکر مواعید و پاداش‌های اخروی و دنیوی و تشبیه‌های متنوع و تأکید بر استفاده از عادت و تکرار عمل از این شیوه‌ها محسوب می‌شوند.

۲-۲- نتایج مربوط به هدف دوم «پژوهش»

در رابطه با هدف دوم «پژوهش» دربارهٔ تشخیص میزان توافق نظر غزالی و فیض، و سؤال سوم «پژوهش» و فرضیه‌های یکم و دوم، تعریف ویژه‌ای از «توافق نظر»^۲ انجام شده و با دسته بندی مجموعه گزاره‌های مربوط به موضوعی خاص، یافته‌ها و مقدار توافق نظر غزالی و فیض در هر مقوله بر اساس تعداد این مجموعه‌ها تحلیل کمی شده است.

الف) در مقوله مبانی، مجموعاً ۵۸۱ دسته مبنا مورد مقایسه قرار گرفت که از این تعداد دو اندیشمند در ۵۴۱ مورد توافق نظر دارند (۹۳٪).

ب) در مقوله اصول، از مجموع ۵۶ اصل مورد مقایسه غزالی و فیض در ۴۶ اصل توافق نظر داشته‌اند (۸۲٪).

ج) در مقوله شیوه‌ها، از مجموع ۴۵۷ دسته شیوه مورد بررسی غزالی و فیض در اعتبار ۳۹۱ دسته اتفاق نظر داشتند (۸۵٪).

البته میزان اتفاق نظر در مباحث اساسی هر مقوله تفاوت دارند و در گزارش نقل شده است. بنابر نتایج مذکور می‌توان

نکات مهم ذیل را در این بخش مطرح نمود:

۱- در هر سه مقوله مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی میزان توافق نظر دو اندیشمند بسیار زیادتر از مقدار اختلاف نظر آنهاست، هر چند میزان توافق نظر در این مقوله‌ها متفاوت می‌باشد.

۲- در ارزیابی فرضیه یکم «پژوهش»، بر اساس یافته‌ها بایستی این فرضیه را تأیید شده تلقی نموده شواهد موجود نشان می‌دهد که توافق نظر غزالی و فیض در مبانی تهذیب اخلاقی بیش از توافق نظر آن دو در اصول تهذیب اخلاقی است.

۳- لیکن در ارزیابی فرضیه دوم شواهد موجود آن را تأیید نمی‌کند بلکه با تفاوت کمی، توافق نظر نسبی دو متفکر در شیوه‌ها بیش از میزان اتفاق نظر آن دو در اصول است. در تحلیل این امر خلاف انتظار، می‌توان آن را به عدم کفایت داده‌ها و تشکیک در شیوه جمع‌آوری و دسته‌بندی آنها یا نادرستی تعریف مورد نظر از «توافق نظر» نسبت داد و سعی نمود با تکرار پژوهش و با ارائه تعریف دیگری از «توافق نظر» صحت فرضیه دوم را بار دیگر آزمود. احتمال دیگران آن است که با فرض قبول نتایج پژوهش (یعنی رد فرضیه دوم) ممکن بدانیم مرحوم فیض آنچنان که در ارزیابی و نقد اصول تهذیب اخلاقی مقبول غزالی بر اساس مبانی معرفت‌شناسی خود موفق بود، در نقادی شیوه‌های تهذیب اخلاقی غزالی بر اساس مبانی و اصول مقبول خود توفیق پیدا نکرده است و اگر این کار با ارزیابی دقیق‌تری بر اساس مبانی معرفت‌شناسی دینی او انجام می‌شد، اختلاف نظر بین دو متفکر در «شیوه»ها از میزان موجود بیشتر می‌شد. البته پژوهشگر در حال حاضر احتمال اول را موجه‌تر می‌داند و خواستار تکرار پژوهش و

۱- مانند شیوه‌های تهذیب کودکان، امر به معروف و نهی از منکر، آداب معاشرت، تهذیب شاگردان، موعظه و...

۲- منظور از توافق نظر همه مواردی است که فیض به رد و انکار نظر غزالی نپرداخته باشد (اعم از اینکه در تأیید مدعا و تکمیل سخنان غزالی مطلبی افزوده یا جزئیاتی را حذف کرده باشد یا آنکه تنها به ذکر آراء غزالی و تأیید و تقریر آنها اکتفا نموده باشد).

دقت بیشتر در نحوه تحلیل کمی داده‌هاست.

۴ - نکته مهمی که در تفسیر نتایج مربوط به هدف دوم «پژوهش» باید مورد ملاحظه قرار گیرد آن است که کمیت بسیار زیاد موارد توافق نظر دو اندیشمند - که بر اساس شواهد موجود تأیید گشته است، هرگز به مفهوم کم اهمیتی موارد اختلاف نظر این دو متفکر اخلاقی نیست و نباید با اتکا بر نتایج مذکور - و لو در صورت اثبات قطعی - موارد اختلاف نظر را قابل اغماض و چشم پوشی دانست. سزاوار است با توجه به محتوای موارد اتفاق نظر و اختلاف نظر به قضاوت کیفی - نه صرفاً کمی - در این باب اقدام شود.^۱

۳-۲ - نتایج هدف سوم «پژوهش»

درباره نوع ارتباط میان مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی، سؤال چهارم و فرضیه‌های سوم و چهارم در «پژوهش» طرح شدند. قبل از پاسخ به سؤال چهارم باید متذکر شویم که این سؤال درباره ارتباط میان مبانی و اصول (به تعبیر دیگر هست‌ها و بایدها) در مباحث فلسفه اخلاق بطور جدی مطرح بوده است و پاسخی‌های گوناگون و نظریات مختلفی در این باره ارائه شده‌اند که در طیفی قرار دارند که در یک طرف، نظریه استقلال کامل بایدها از هست‌ها و در طرف دیگر، نظریه ارتباط منطقی و تولیدی میان هست‌ها و بایدها را می‌توان نام برد. فرضیه سوم «پژوهش» مبتنی بر نظریه‌ای در بین طیف مذکور است؛ یعنی اولاً قائل به ارتباط میان هست‌ها و بایدهاست و ثانیاً این ارتباط را استلزام منطقی نمی‌داند.^۲ اما باید توجه نمود که این سؤال به تقریر جدید آن^۳ در میان علمای متقدم مطرح نبوده و لذا با کنکاش در اندیشه قدما حداکثر می‌توان شواهد احتمالی مبنی بر تمایل نظری ایشان به یکی از نظریه‌های موجود را بدست آورد. به هر حال، باید با پیگیری شواهد و قرائن مبنی بر چگونگی ارتباط میان عناصر مورد بحث به ارزیابی فرضیه‌های ۳ و ۴ بپردازیم.

در این باره تحلیل کیفی قرائن و شواهد نکات ذیل را بدست داد:

۱ - از نظر غزالی و فیض اصل وجود ارتباط میان مبانی،

اصول و شیوه‌ها به شواهد گوناگون پذیرفته و مقبول می‌باشد. ۲ - در بیان نوع ارتباط میان مبانی و اصول از دیدگاه غزالی با توجه به موضع وی در حسن و قبح شرعی افعال (بنابر مذهب اشعری) و نظرات اصولی او در کتاب **المستصفی** درباره حقیقت «وجوب» از سویی و چند بیان مختلف از وی در کتاب **ریاضة النفس و التوبه** درباره منوط بودن بایدها و نبایدها به مصالح واقعی از سوی دیگر نمی‌تواند به درستی نظر او را مشخص نمود، هر چند در مجموعه مطالب اخلاقی وی قول دوم شواهد بیشتری دارد.^۴

اما درباره فیض با این مشکل روبرو نبوده و می‌توانیم از دیدگاه وی اعتبار اصول را با توجه به مصالح واقعی دانسته و فرضیه سوم را درباره او صادق بدانیم. البته نکته فوق الذکر (عدم طرح سؤال در زمان فیض و غزالی) نتیجه گیری درباره فرضیه ۳ را با تردید همراه می‌سازد.

۳ - در بیان چگونگی ارتباط میان اصول و شیوه‌ها (مفاد فرضیه ۴) شواهد و قرائن بسیاری در دست است که شیوه‌های تهذیب اخلاقی در کلام غزالی و فیض از اصول استنباط شده یا برای استدلال درباره اعتبار و عدم اعتبار آنها به اصول استناد شده است. لذا می‌توان فرضیه چهارم را با توجه به شواهد، تأیید شده تلقی نمود.

۴ - نکته مهم دیگری که از تحقیق در اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی حاصل می‌شود آن است که هر چند از لحاظ نظری، از دیدگاه غزالی و فیض (بنابر فرضیه ۳ و ۴) اعتبار اصول، مبتنی بر قبول مبانی و استنباط شیوه‌ها از اصول می‌باشد، ولی چه بسا در مقام اعتبار اصول و شیوه‌ها، اندیشمندی به لوازم این ارتباط پای بند نباشد؛ به این معنا که چه بسا اصول تهذیب اخلاقی مورد قبول متفکر با مبانی مورد

۱ - چه بسا با ملاحظه نکته مزبور در اهمیت و صلاحیت اهدافی نظیر هدف دوم «پژوهش» برای تحقیقات نظری تأمل و تشکیک شایسته بود. و تعیین این گونه اهداف راناشی از «سیطره کمیت در آخرالزمان» بدانیم! فتأمل.
۲ - شبیه نظریه منوط بودن احکام شرعی به مصالح واقعی در علم اصول. **بإعمالنا بیشتولیریمو العقریر لیکتابه روسیلسنة اخلاق استاصباح** (فلسفه اخلاق محمد رضامد رسی، و کاوشهای عقل عملی حائری یزدی) مراجعه کنید.
۳ - برای بحث بیشتر در این زمینه ر. ک به منطوق حقیقت نظر غزالی ابراهیمی دینانی.

تصدیق وی منافات داشته باشد و یا شیوه‌های مطرح شده از اصول مورد قبول او استنباط نشده بلکه با آنها تناقض داشته باشد. به عنوان مثال، شیوه حقیر ساختن خویش (مورد تأیید غزالی) در تهذیب جاه‌طلبی (مطابق مذهب ملامتیه) با اصل تبعیت مطلق از قرآن و سنت تعارض دارد یا اصل تبعیت مطلق از مرشد و شیخ طریقت در نظر غزالی با لزوم تبعیت از شرع و مبنای کامل بودن شرع و دین تناقض دارد. و به طور کلی شیوه‌هایی که غزالی در برخورد با محبت دنیا و شهرت‌طلبی در پیروی از آداب صوفیه معتبر می‌داند با اصولی چون رعایت اعتدال و پیروی از سنت پیامبر و دستورات شرع ناسازگاری دارد.

۵- با ملاحظه نکته فوق می‌توان درباره ارزیابی آراء هر متفکر در فرآیند تهذیب اخلاقی به ملاکی مهم دست یافت و آن لزوم هماهنگی و سازگاری میان مبانی، اصول و شیوه‌هاست، به صورتی که این عناصر مجموعه هماهنگ و سازگاری را تشکیل دهند.

۶- با توجه به اینکه مقصد پژوهش حاضر ارزیابی و نقد آراء دو متفکر نبوده است و لیکن با توجه به ملاک مزبور در نگاهی کلی و به دور از هر گونه پیشداوری و تعصب می‌توان گفت فیض در ارائه مجموعه‌ای هماهنگ از مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی به اتکاء منابع معتبر دینی بسیار تواناتر و موفقتر از غزالی عمل نموده است. به عبارت دیگر، فیض در ارائه شیوه‌های تهذیب تا حد امکان توجه به مبانی و التزام به اصول را مراعات نموده است.

۷- نتیجه مهم دیگری که در اثر توجه به نوع ارتباط میان مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی حاصل گردید آنکه؛ اعتبار یک اصل یا شیوه تنها در اثر ارتباط با یک مبنا یا یک اصل رقم نمی‌خورد، یعنی برای اعتبار داشتن اصلی معین در نزد هر متفکر، مجموعه‌ای از مبانی فکری مقبول وی دست اندر کار می‌شوند و همچنین قبول شیوه‌ای خاص مستلزم توجه به چند اصل (به موازات هم) می‌باشد. در نتیجه، اعتبار هر اصل حاصل توجه به مجموعه‌ای از مبانی اعتقادی معرفت‌شناسی ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی تهذیب اخلاقی

است و قبول و تأیید هر شیوه تهذیب اخلاقی ثمره تعامل اصول متعدد و با توجه به مبانی خاص تهذیب رذیله یا فعل ضد اخلاقی است.

بنابراین، تصویر ارائه شده از سوی برخی محققان^۱ مبنی بر ارتباط یکسویه و خطی میان عناصر فوق در نظام تربیتی - که بر اساس آن هر اصل تنها مبتنی بر یک مبنا بوده و هر شیوه نیز فقط متکی به یک اصل است - شایسته تأمل و تجدید نظر می‌باشد.

۸- و بالاخره نتیجه بسیار مهمی که از تأمل در نحوه ارتباط مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی و مقایسه دیدگاه غزالی با فیض حاصل می‌شود آنکه؛ «در قبول و تصدیق مبانی تهذیب اخلاقی با رویکرد دینی و نیز اعتبار داشتن اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی (با همان رویکرد) مهمترین عامل مؤثر، مبانی معرفت‌شناسی دینی هر متفکر است؛ زیرا می‌بینیم اختلاف گوه‌ری فیض با غزالی در شناخت اهل بیت (ع) به عنوان منابع تفکر دینی در کنار قرآن و سنت نبوی (ص) (ورد و انکار حجیت اقوال و افعال دیگران) وقتی با مواجهه با دریای غنی معارف اهل بیت (ع) و التزام عملی به این معارف گسترده همراه می‌گردد؛ تقریباً در همه مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی تأثیر جدی و عمیق می‌گذارد. تهذیب و پیرایش **احیاء العلوم** از اندیشه‌های نادرست، تندروها و بدعتهایی ناروا، حکایات خرافی و تکمیل این مجموعه با معارف اهل بیت (ع) همگی حاصل این تأثیر با برکت می‌باشد، به صورتی که بنابر ارزیابی مرحوم علامه امینی، «تنها فارق اصلی میان **احیاء العلوم** و **المحجة البیضاء** همانا سیر و سلوک فیض بر طریقه اهل بیت و التزام وی به بهره‌گیری از دریای معارف معصومین بوده است»^۲.

۴ - ۲ - اهم یافته‌ها

۱- دکتر خسرو باقری -نگاهی دوباره به تربیت اسلامی- فصل چهارم

۲- مقدمه محجه - ج ۲۱ /

و نتایج در ارتباط با هدف چهارم

در راستای تدوین و تنظیم اندیشه‌های اخلاقی غزالی و فیض در قالبی جدید هر چند لازم است پژوهشهای دیگری در باب اهداف، مراحل، ابعاد و مراتب و عوامل تهذیب اخلاقی صورت پذیرد و نیز با ملاحظه در هم آمیختگی مراحل پیرایش از آلودگیها (تهذیب) با مراحل بعدی تربیت اخلاقی (اکتساب فضایل، حالات و افعال اخلاقی و تقویت آنها) پژوهشهای مشابهی در آن مراحل صورت بگیرد، لیکن به اتکاء یافته‌های «پژوهش» و نتایج ضمنی آن می‌توان زمینه این مهم را فراهم نمود به این بیان که:

۱- مقوله‌های مبانی، اصول و شیوه‌ها با تجدید نظر انجام شده در طی «پژوهش»، توانایی در برگرفتن اهم اندیشه‌های غزالی و فیض در باب تهذیب اخلاقی را دارا هستند.

۲- سه عنوان «رذائل»، «حالات ضد اخلاقی» و «افعال ضد اخلاقی» شامل تمامی موارد آلودگیهای متعلق به تهذیب اخلاقی هستند.

۳- دو رویکرد مهم در تهذیب اخلاقی یعنی اصلاح خود و اصلاح دیگران می‌تواند مبنایی برای تقسیم اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی در نظام تهذیب اخلاقی باشد.

۴- با توجه به گستردگی مفهوم تهذیب اخلاقی نسبت به همه حالات رفتار آدمی می‌توان به راحتی آن را در سه مقوله ارتباط با خود، خداوند و دیگران جایگزین نمود.

۵- توجه به مراحل رشد آدمی و ترتب زمانی تکوین آلودگیهای اخلاقی (از قوه شهوت به غضب و عقل و خیال) می‌تواند در تنظیم شیوه‌های تهذیب اخلاقی متناسب با این مراحل مفید باشد.

۶- با توجه به نقش مهم افعال ضد اخلاقی در ایجاد رذائل و استحکام آنها شایسته است در نظام تهذیب اخلاقی برای برخورد با افعال ضد اخلاقی بر حسب تقسیم‌های مختلف و ممکن در این زمینه، مجموعه‌ای از اصول و شیوه‌ها منظم گردند که این مهم در مورد تهذیب اخلاقی کودکان بیشتر رخ می‌نماید.

امید است بتوان با عمل به توصیه‌های فوق و ترسیم

طرحواره‌هایی درباره چگونگی ارتباط عناصر مهم فرآیند تهذیب اخلاقی، اساس محکمی برای تنظیم و تدوین اندیشه‌های اخلاقی غزالی و فیض بنیان گذاشته شود.

خاتمه:

ارائه برخی پیشنهادها

با توجه به محدودیت‌های «پژوهش» - که در بخش پایانی گزارش طی ۱۰ عنوان مطرح شده اند^۱ - پژوهشگر در خاتمه برخی پیشنهادهای برخاسته از یافته و محدودیت‌های پژوهش را بر می‌شمارد:

الف) در بعد روش شناسی پژوهش

۱. برای انجام مناسب و مطلوب اینگونه پژوهشها، بایستی عناصر مورد بحث نظام تربیت اخلاقی، تعاریف دقیق و عملیاتی شوند و در این راستا به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده «پژوهش» از اصول و شیوه‌ها محتاج تجدید نظر باشد.
۲. در تعیین اهداف اینگونه پژوهشها به جای تشخیص میزان توافق نظر بحث کیفی از محتوای موارد اتفاق نظر و اختلاف رأی جایگزین گردد.
۳. روش تحلیل محتوا به دقت و تفصیل مناسب با چنین پژوهشهایی طراحی و فنون کاربردی آن تبیین گردد.
۴. عرصه انجام تحقیق محدودتر گردد و در عوض عمق بیشتری پیدا نماید. در صورت امکان از منابع پژوهش نیز نمونه‌گیری تصادفی بعمل آید تا بر این اساس محدوده کاوش تقلیل یابد و کیفیت پژوهش افزایش پیدا کند.

ب) در بعد ارائه موضوع برای پژوهشهای آینده

۱. انجام پژوهشهایی درباره اهداف، مبانی، اصول، شیوه‌ها، مراحل و ... تهذیب اخلاقی و تربیت اخلاقی از دیدگاه

۱- اصل گزارش پژوهش ص ۳۳۲-۳۳۰

متفکران بزرگ مسلمان (مانند ابن مسکویه، خواجه نصیر، ابن سینا، ملاصدرا، نراقی، علامه طباطبائی، سید بن طاووس و امام خمینی) بصورت مستقل یا تطبیقی در عرصه‌هایی محدود و قابل پژوهش

۲. مقایسه و تطبیق آرای بزرگان مسلمان با اندیشه‌های فلاسفه اخلاق، مکاتب اخلاقی معاصر و متفکران اخلاقی سایر ادیان و نقادی و ارزشیابی آنها پس از تدوین ملاحظات مشخص

۳. تدوین نظام تربیت اخلاقی اسلام با تکیه بر نظر متفکران مسلمان به صورت اجتهادی با تکیه بر منابع تفکر دینی (قرآن، سنت، عقل)

۴. بررسی نقش دستورات دینی و آداب شرعی در تربیت اخلاقی

۵. مقایسه و نقد تطبیقی رویکرد دینی به تربیت اخلاقی با دیگر رویکردها (فلسفی، عرفانی، علوم تجربی) و بررسی نقاط قوت و ضعف هر یک

۶. مقایسه تربیت اخلاقی مبتنی بر دین از دیدگاه اسلام (اهل سنت و شیعه) با دیدگاه مسیحیت (کاتولیک و پروتستان)
۷. بررسی شیوه استنباط آراء اخلاقی از منابع تفکر دینی